انترناسیونال ۷۲۰

محسن ابراهیمی

**موصل آزاد شد!**

**آیا مردم عراق آزاد شده اند؟!**

روز یکشنبه ٩ جولای حیدر عبادی نخست وزیر عراق در کنار ویرانه های موصل آزادی این شهراز چنگ داعش را به مردم عراق تبریک گفت. سئوال این است که آیا مردم عراق از چنگ تروریسم اسلامی آزاد شده اند؟

**موصل آزاد شد و باید خوشحال بود!**

اینکه بالاخره آخرین مقاومتهای داعش در کوچه پس کوچه های تنگ و پرجمعیت غرب موصل در هم شکسته شد و رسما خلافت اسلامی ابوبکر البغدادی در موصل به پایان رسید مایه خوشحالی هر انسانی باید باشد که فقط چند صحنه از جنایات این گله درندگان اسلامی را دیده است.

درست سه سال پیش در آخرین ساعات روز ٩ ژوئن ٢٠١٤ مردم بی خبر موصل با ورود مردان سیاهپوش ریشوی تا دندان مسلح با پرچمهای لا اله الا الله در شهرشان مواجه شدند که آمده بودند در آن شهر خلافت اسلامی اعلام کنند.

همان چند روز اول خلافت اسلامی نشان داد که چه شرایط هولناکی بر جان و زندگی مردم حاکم خواهد شد. زنان را از خانه هایشان بیرون کشیدند و بازار برده جنسی راه انداختند؛ کودکان هراسان مجبور شدند شاهد صحنه های فجیع سر بریدن ها باشند؛ مردم بهت زده و هراسان شاهد صحنه های سوزاندن و غرق کردن انسانهای محبوس در قفسها شدند. همه اینها ارمغان جهان گندیده و بحران زده سرمایه داری است که رهبر "جهان آزادش" ١٤سال پیش با یکی از بزرگترین تهاجم میلیتاریستی قرن 21 کشور عراق را به ویرانه ای کامل و به حفره ای سیاه تبدیل کرد که از درونش انواع و اقسام هیولاهای دهشتناک سربلند کردند که یکی هم داعش است.

قبلا مردم ایران ظرفیت بالای جنبش اسلامی در سبعیت را در شاخه شیعی آن در قالب حکومت اسلامی تحت رهبری خمینی دیده بودند. این بار شاخه سنی این جنبش تحت رهبری ابوبکر البغدادی، هم ابتکارات تازه ای در بیرحمی و توحش به میدان آورد و هم توحش عنان گسیخته اش را به نمایش گذاشت و به آن علنا افتخار کرد.

حتی ما که از کنج خانه هایمان اخبار این اتفاقات هولناک و جنایات را شنیده ایم، جنایاتی که آنچنان فجیع است که حتی جرئت نکرده ایم تصاویر و ویدیوهایش را نگاه کنیم، باید از بیرون راندن داعش از موصل عمیقا خوشحال باشیم، چه برسد به انسانهایی که خود قربانیان مستقیم یا شاهدان مستقیم این جنایات بوده اند. به هر حال همینکه شهری با جمعیت اولیه دو میلیونی، که نصف بیشترش آواره و بی خانمان هستند، و دهها هزار نفرش کشتار شده اند، از چنگال خلافت اسلامی داعش آزاد شده اند، مایه خوشحالی هر انسانی باید باشد. این ابتدایی ترین احساس هر انسانی باید باشد که از درد و رنج همنوعانش متاثر است.

**موصل آزاد شد اما آیا خطر داعش و تروریسم اسلامی در منطقه و جهان و مشخصا عراق به پایان رسیده است؟**

داعش در موصل عراق به لحاظ نظامی در هم شکسته شد. در رقه سوریه هم در حال شکست است. اما مطلقا نباید توهم داشت که شکست نظامی داعش در موصل و رقه پایان کار داعش و به طریق اولی، پایان کار تروریسم اسلامی در منطقه و جهان است.

اولا، هنوز داعش جدا از مناطقی در سوریه، در خود عراق در مناطقی مثل تلعفر و اطراف موصل حضور دارد و حتما هنوز تعدادی در ویرانه های موصل باقی مانده اند و شاید حتی در شهرها و روستاهای اطراف پخش شده اند تا پرچم خون آلودشان را در جایی به اهتزار درآورند و اگر دستشان برسد همچنان سرببرند و آدم بسوزانند و انتقام خلافت در هم شکسته شده شان را بگیرند. فراتر از این، دار و دسته های اسلامی زیادی در ازبکستان، افغانستان، پاکستان، لیبی، نیجریه، سومالی، سودان و تعداد زیادی کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه، مخصوصا کشورهایی که ساختار سیاسیشان بعد از فروپاشی جهان دوقطبی به هم ریخته است، هنوز فعالند و میتوانند به مثابه بخشی از اسلام سیاسی سنی زندگی مردم را به خون بکشند.

تا آنجا که به عراق مربوط است نه داعش و نه انواع دستجات مسلح اسلامی رقیب شیعی که در عراق جولان میدهند یکباره از آسمان فرود نیامده بودند که یک باره بخار شوند و محو شوند. دستجات ترور اسلامی سنی وشیعه فقط بازیگران جلوی صحنه هستند. همه این دار و دسته ها صاحبی دارند که به مثابه بازیگران اصلی، سالهاست که منطقه را به خون کشیده اند. عربستان سعودی، جمهوری اسلامی و ترکیه در راس دول مرتجع منطقه هستند که بر روی ویرانه های عراق و سوریه و بالای سر صدها هزار کشته و میلونها آواره دارند موقعیت سیاسی خود در مقابل رقبا را مستحکم میکنند. و در سطح جهانی این آمریکا و روسیه هستند که در جهان در هم ریخته بعد از پایان جهان دو قطبی دارند نقش و جایگاه آتی خود را به قیمت جان و زندگی میلیونها انسان در سوریه و عراق رقم میزنند.

داعش فقط بخشی از شبکه سنی تروریسم اسلامی است و یک بخش مساله است. در کنار بقایای داعش دهها باند مسلح شیعی سر به جمهوری اسلامی در عراق و منطقه جولان میدهند. اینها به خاطر نجات مردم از تروریسم داعش وارد جنگ نشده بودند که با رفتن داعش بساطشان را جمع کنند و به پایگاههایشان برگردند. نیروهایی مثل حشد الشعبي (نسخه عراقی بسیج اسلامی در ایران) که سلاح و ایدولوژیش را جمهوری اسلامی تامین میکند، جنگ نیابتی جمهوری اسلامی در عراق را پیش میبرند. اینها تا جمهوری اسلامی هست نقش خواهند داشت. این همه جانفشانی بسیج اسلامی قرار نیست حرمها را حفظ کند. اینها قرار است کریدور آزادی باز کنند که تهران و بغداد را به دمشق و لبنان وصل کنند و کل این هلال شیعی را به دریای مدیترانه برساند و در نهایت دست حکومت اسلامی برای حمایت از بشار اسد و حزب الله لبنان بازتر باشد و "محور مقاومت" شیعی موقعیت بهتری در منطقه پیدا کند. تا بساط این نیروها از عراق جارو نشود، مردم عراق روز خوش نخواهند دید و روشن است که این امر در گرو پایین کشیدن خود حکومت اسلامی در ایران است.

تا زمانیکه عراق صحنه رقابت دول منطقه و جهان برای پیشبرد سیاستهایشان است؛ تازمانیکه آمریکا و روسیه و جمهوری اسلامی و ترکیه و عربستان سعودی و نیروهای تحت حمایتشان بتوانند صحنه سیاسی عراق را بر محور قومیت و مذهب و نفرت قومی و مذهبی سازمان دهند؛ مردم عراق روی آرامش را به خود نخواهند دید.

و در سطح پایه ای تر باید تاکید کرد که جهان سرمایه داری تا خرخره در بحران فرورفته به جنبش اسلامی نیاز دارد. اگر امروز با یکی از شاخه های این جنبش شاخ به شاخ میشود مطمئن باشید که در همان حال شاخه دیگری را زیر بالش پرورش میدهد. باید یک جایی از دنیا، هیولایی خوفناک وجود داشته باشد که دول غرب و متحدین منطقه ای اش و همچنین رقیب روسی و متحدینش، آن را نشان مردم بدهند و به نام مقابله با آن، سیاستهای ارتجاعیشان را، هم در سطح داخلی و هم در سطح منطقه و جهان پیش ببرند.

**آنها که پای اصلی مساله هستند نمیتوانند حتی بخشی از راه حل باشند!**

قبل از چیز باید این روش باشد که آنهایی که مردم سوریه و عراق را به این روز انداخته اند نمیتوانند ناجی مردم از این وضعیت شوند. حکام آمریکا و روسیه و عربستان و ایران و ترکیه علیرغم رقابت و اختلافاتشان خود پای اصلی مساله هستند و کسانی که خود پای اصلی مساله هستند نمیتوانند بخشی از راه حل باشند. نباید تخاصم میان آمریکا و جمهوری اسلامی و داعش، کسی را فریب دهد. این اولین بار نیست که خالقین موجودات اسلامی در منطقه، با مخلوق خود، شاخ به شاخ میشوند. تقابل ائتلاف علیه داعش با داعش هم، یکی از این موارد است.

برای مثال کسی نباید ائتلاف ترامپ و شیخ سلمان علیه ترویسم اسلامی را جدی بگیرد. یکی میراث دار بوش پدر و پسر است. پدر و پسری که عراق را به آزمایشگاه خونین میلیتاریسم آمریکا تبدیل کردند و کل یک کشور را شخم زدند  که از هر گوشه اش علفهای هرز اسلامی سربرآوردند. و دیگری منبع اصلی همه دستجات آدمکش اسلامی سنی است که از اندونزی تا نیجریه تا پاکستان تا عراق و سوریه و سایر نقاط جهان پخش و پلا هستند. اگر دادگاه عادلانه ای باشد اینها همه باید به خاطر معماری و تولید و گسیختن افسار تبه کاران اسلامی در دنیا، به خاطر تحمیل رنج غیرقابل توصیف بر بشر، به خاطر نسل کشی در عراق و سوریه و سایر نقاط جهان در صندلیهای ردیف اول یک محاکمه عادلانه قرار گیرند.

درجه بالایی از بیشرمی میخواهد که فروش حجم عظیمی از مدرنترین سلاحها با قدرت تخریب و کشتار وسیع به پادشاه عربستان سعودی را که منبع اصلی تروریسم شاخه سلفی- سنی است به مثابه اقدامی برای مقابله با تروریسم به معرض فروش گذاشت. ائتلاف و معامله دونالد ترامپ و شیخ سلمان از یکطرف قرار است کار و بار سرمایه داران صنایع اسلحه سازی آمریکا را رونق ببخشد و میلیاردها دلار پول نفت را به جیب سرمایه داران اسلحه ساز آمریکا بریزد و از طرف دیگر یکی از منابع اصلی تروریسم اسلامی را به مخربترین سلاحها مجهز کند و زیر پایش را محکم کند.

از سوی دیگر، آیا واقعا کسی میتواند اتحاد پوتین و خامنه ای و بشار اسد علیه  تروریسم اسلامی را جدی بگیرد که فقط به خاطر تلاششان برای سرپا نگه داشتن جنایتکاری مثل بشار اسد، جایشان در همان دادگاه عادلانه و در کنار جنایتکاران طرف دیگر است؟

همزمان که نمایش مسخره آمریکا و عربستان و متحدینشان علیه قطر به نام مقابله با تروریسم در جریان است، موسسه هنری جکسون در انگلستان، گزارش مفصلی در باره حمایت گسترده و سابقه دارعربستان سعودی از گروههای تروریست سلفی منتشر کرد و در آن حتی، با اسم و رسم به ارتباط مستقیم مقامات و بنیادهای مستقر در عربستان با گروههای جهادی در بریتانیا و سایر نقاط جهان اشاره شده است.

تازه این گزارش از دست حکام انگلستان در رفته است. ترزا می، نخست وزیر انگلستان که در سفر به عربستان تاکید کرده بود روابط سیاسی و اقتصادی لندن با ریاض برای کشورش بسیار ضروری و حیاتی است تا کنون از انتشار عمومی و علنی گزارش مفصل دیگری در زمینه نقش عربستان سعودی در حمایت معنوی و مالی و لجستیکی از تروریسم اسلامی شاخه سنی، ممانعت کرده است.

یک شرط مهم رهایی منطقه و عراق از چرخه خشونت تروریسم اسلامی قطع کردن پای همه دول مرتجع منطقه و حامیان جهانیشان از زندگی مردم است. دولتهایی که جنبش اسلامی علی العموم و انواع دسته های تروریست را نیاز دارند و همچنان تولید و بازتولید خواهند کرد.

**سهم خواهیها آغاز شده اند!**

هنوز صدها هزار آواره به خانه های ویران شده شان برنگشته اند که سهم خواهی "آزاد کنندگان" موصل شروع شده است. لاشخورهای اقتصادی و سیاسی بر فراز ویرانه های پر از جنازه موصل به پرواز در آمده اند. میگویند بازسازی موصل تخریب شده، قریب .٤ میلیارد دلار هزینه خواهد داشت. کمپانیهای آمریکایی از الان برای به کام کشیدن این ثروت عظیم کیسه های بزرگ دوخته اند.

از طرف دیگر در میان جناحهای رقیب جمهوری اسلامی دعوا در گرفته است که ثابت کنند سهم کدامشان در مسلح کردن حشد الشعبي (شعبه عراقی بسیج اسلامی) بیشتر بوده است. قاسم سلیمانی گفت صنایع اسلحه سازی ایران برای مسلح کردن حشد الشعبي سه شیفته کار میکرده اند و اصلا "شهید زنده برادر ابو مهدی المهندس" فرمانده حشد الشعبي کلید انبارهای اسلحه جمهوری اسلامی را در اختیار داشته است! روحانی برای اینکه عقب نماند جواب داد که فقط جانفشانی کافی نیست. تولید و هزینه سلاحها هم مهم است که افتخارش مال دولت ایشان است.

از جدال و رقابتهای درون حکومتی جمهوری اسلامی بگذریم که موضوع این مقاله نیست. اما معلوم است که جنگ جمهوری اسلامی و حشد الشعبي با داعش تماما در چهارچوب تخاصم و رقابتهای منطقه ای جمهوری اسلامی با رقبا قابل تحلیل است.اظهارات سران حکومت هم به خوبی نشان میدهد که برای جمهوری اسلامی هم حضور در عراق و هم تضعیف شاخه های رقیب تروریسم اسلامی حیاتی است. این سطح تبلیغات در باره سهم جمهوری اسلامی در آزادسازی موصل، هم اعلام سهم خواهی علنی در معادلات و معاملات بعد از سقوط موصل در عراق است و، هم به خاطر درجه بالای منفور بودن داعش در جهان، چهره سازی از شاخه شیعی تروریسم اسلامی به مثابه نجات دهنده است.

تردید نباید داشت که نه دول غرب و متحدینش و نه جمهوری اسلامی و حامیانش حتی ذره ای به فکر صدها هزار بیخانمان، مخصوصا هزاران کودک پدر مادر از دست داده بی سرپرست با زخمهای عمیق روحی و جسمی نیستند و نخواهند بود. مساله هیچکدام از طرفهای درگیر در این رقابت خونین این انسانها نیستند. مساله شان جایگاه و موقعیت دولت و جنبش خودشان است که بانی اصلی این بی خانمانیها و این همه زخمهای روحی و جسمی هستند که بر جمعیت عظیمی از انسانها در عراق و منطقه و جهان تحمیل شده است.

**نجات مردم عراق پیش خود مردم است!**

دقیقا دو سال پیش در ماه اگوست درعراق اتفاقی افتاد که شور و شوق زیادی در میان مردم منطقه و جهان برانگیخت.  اتفاقی که کمتر کسی شاید تصورش را میکرد. یکباره از میان جنگ و کشتار و بمب و خون و خونریری و جولان دسته های مسلح اسلامی و قومی، میلیونها مردم عراق در شهرهای بغداد، بصره، ناصریه، سماوه، عماره، حله، شطره، دیوانیه، کوفه،  کربلا، بعقوبه و …به خیابانها ریختند و فریاد زدند "نه شیعی، نه سنی،  مدنی، مدنی"! هزاران پلاکارد و بنر بلند کردند که در آنها اعلام شده بود: "نان، آزادی، حکومت مدنی و سکولار"، "به اسم دین ما را غارت کردید"، "دولت مدنی، عدالت اجتماعی"، "جدائی مذهب از دولت"، "آزادی امنیت برابری"، "محاکمه کلیه فاسدین" و "سکولاریسم راه حل ما است"!

مردم شریف و رنج دیده و درهم شکسته عراق و پیشاپیش آنها زنان در این اعتراضهای باشکوهشان عکس سران حکومت مثل نوری المالکی  و حسین شهرستانی را به دست گرفتند و خواهان محاکمه آنها به جرم فساد شدند. در مقابل خانه آیت الله حکیم با شعار "گورت را گم کن" تجمع کردند؛ خطاب به جمهوری اسلامی شعار دادند "برو گم شو" و چشم در چشم مقامات فاسد دوختند و فریاد زدند: "داعش از درون فساد شما سر برآورد."

حقیقت سیاسی این اعتراض را امام جمعه نجف به خوبی بیان کرد وقتی گفت اینها میخواهند حکومت را غیر دینی کنند. دقیقا همین بود که سران حکومت اسلامی راه به هراس انداخته بود. خصومت حکومت اسلامی با این جنبش را رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی با انتساب مردم معترض به "شیاطین و غیر مسلمانان" بیان کرد.

دقیقا این مضمون سیاسی انسانی، سکولار و رادیکال در کنار ابعاد بسیار وسیع و باشکوه این حرکت بود که همه سران حکومت عراق و همچنین جمهوری اسلامی و دول غرب و رسانه هایی مثل بی بی سی و صدای امریکا را نگران کرده بود.

زیر فشار سنگین این تعرض سیاسی انسانی و سکولار و آزادیخواهانه بود که میان مقامات حکومت عراق شکاف افتاد. باندهای مختلف شیعی و سنی حاکم شروع به افشاگری علیه همدیگر پرداختند. حیدر العبادی نخست وزیر مجبور شد اعلام کند بزودی اصلاحات انجام خواهد شد. اعلام کردند که کمیته ای به نام "از کجا آورده ای" تشکیل خواهد شد. اعلام شد با فساد در دستگاه دولتی مقابله خواهد شد و امتیازات مالی ویژه مقامات لغو و حتی بسیاری از مقامات دولتی لغو خواهد شد.

رسانه های غرب یا با سکوت از کنار این حرکت بزرگ گذشتند و یا تصویر وارونه از آن دادند. همراه با این رسانه ها بی بی سی فارسی و صدای آمریکای فارسی طوری وانمود کردند که گویا اصلا آخوند مورد علاقه شان سیستانی و حیدر عبادی این حرکت را نمایندگی میکنند. و البته در کنار این تحریف سازنیافته رسانه ای، دسته های فاشیست اسلامی هم بیکار ننشستند و قمه بدست هایشان را در خیابانها رها کردند تا مردم معترض را مرعوب کنند، که نتوانستند.

راه نجات مردم عراق در دست همین مردم است. اگر چه آن اعتراض در آن ابعاد وسیع اولیه ادامه نیافت اما، انگیزه و نیروی انسانی و خواست و آروزی همان مردم همچنان زنده و قوی است. دیر یا زود آن جنبش اعتراضی باز خواهد گشت. اما این بار باید از تجربه گذشته درس گرفت. درس مهم آن جنبش اعتراضی این بود که برای پیروزی نیاز به شکل دادن به یک رهبری رادیکال و روشن و آگاه و سازمانیافته است. رهبری ای که بتواند تاکتیکها و حقه بازیهای حکومت را قدم به قدم خنثی کند. رهبری ای که بتواند اعتراض و مقاومت و جسارت مردم معترض را به تشکیلات سیاسی و پرچم سیاسی تبدیل کند و مردم معترض را در قدرت سیاسی نمایندگی کند. رهبری که برای کنار زدن قدرت سیاسی و به قدرت رساندن مردم حرکت کند. بزرگتری وظیفه هر نیروی رادیکال و چپ و کمونیست و سکولار در شرایط عراق این است که برای شکل دادن به چنین رهبریی ای تلاش کنند.

همچنین باید به جایگاه همبستگی جهانی اشاره کرد. حمایت جهانی از چنین جنبشی یک فاکتور بسیار مهم در قدرتمندتر شدنش است. همچنانکه گفتم این جنبش موقتا عقب نشسته است اما بی تردید باز میگردد. همانقدر که اعتراض دو سال پیش توانست حکومت را ناگزیر به عقب نشینیهایی بکند، حامیان جهانی این اعتراض هم میتوانند حامیان دولت قومی - مذهبی عراق زیر فشار قرار دهند. مردم معترض عراق نیازمند کوتاه شدن دست انواع و اقسام قدرتهای منطقه ای و جهانی از مهندسی سیاست در عراق بر محور دینی و قومی هستند. و در این عرصه یک جنبش اعتراضی جهانی بسیار حیاتی است.

همانگونه که عوامل اصلی دخیل در ویران کردن زندگی مردم در عراق و کل منطقه در کار شکل دادن و رها کردن افسار دستجات مسلح اسلامی و قومی جهانی هستند، مقابله قدرتمند و موفق با این وضعیت هم، نیازمند جنبشی است که ابعاد آن جهانی باشد. جنبشی که دست طبقه قدرتمند کارگر را در مصر و ایران و عراق و کل منطقه در دست هم بگذارد؛ جنبشی که بتواند جوانانی که با مانیفست غزه اعلام وجود کردند، زنانی که در افغانستان طالبان زده امام جمعه را با اردنگی از صف تشیع جنازه فرخنده بیرون انداختند، جوانانی که در ٨٨ در ایران به میدان آمدند، زنان و مردانی که در عراق فریاد جامعه غیردینی سر دادند و میلیونها انسانی که در منطقه در سطح جهان تعطیل ناپذیر در مقابل ارتجاع سرمایه داری و نیروهای هارش در مصاف هستند را، بهم وصل کند.

 \*\*\*

توضیح نویسنده: در رابطه با اعتراضات اگوست سال ٢٠١٥ عراق توجهتان به مصاحبه روشنگرانه ای با اصغر کریمی جلب میکنم که تحت عنوان "رهبری و سازماندهی، مساله گرهی در عراق" در نشریه  انترناسیونال در تاریخ شنبه ۲۴ام مرداد۱۳۹۴منتشر شد.